

ارزیابی و اولویت‌بندی میزان تأثیر تسهیلات اعطایی بانک‌های دولتی استان همدان در اشتغال‌زایی بنگاه‌های کوچک و متوسط طی دوره (۱۴۰۲-۱۳۹۵)

حسین حاجی‌بابائی

گروه مدیریت، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ملایر، ملایر، ایران

مهدی اجلی*

استادیار گروه مدیریت، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

مجید فصولی

کارشناس ارشد مدیریت کسب و کار، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد همدان، همدان، ایران

<https://doi.org/10.22067/erd.2024.82606.1184>

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط علاوه بر کمک به توسعه استان‌ها، می‌تواند به‌عنوان اهرمی در جهت کمک به اقتصاد کشور و رشد جایگاه آن عمل نماید. استان همدان نیز همانند سایر استان‌های صنعتی از این حیث مستثنی نبوده و این عامل می‌تواند در رشد اقتصادی استان مؤثر باشد. هدف اصلی از پژوهش حاضر، ارزیابی و اولویت‌بندی میزان تأثیر تسهیلات اعطایی بانک‌های دولتی استان همدان در اشتغال‌زایی بنگاه‌های کوچک و متوسط طی دوره (۱۳۹۵-۱۴۰۲) می‌باشد. روش پژوهش از نظر هدف، از نوع کاربردی و از نظر جمع‌آوری داده‌ها از نوع توصیفی-پیمایشی می‌باشد. جامعه آماری پژوهش شامل ۶۸ نفر از خبرگان و مدیران بانک‌های دولتی و دستگاه‌های اجرایی مرتبط و درگیر در موضوع می‌باشند که به علت محدود بودن اندازه، از روش تمام‌شمار، به‌عنوان نمونه استفاده شد. بدین منظور، با مرور ادبیات و مصاحبه با خبرگان، مدلی مفهومی متشکل از سازه‌های "تسهیلات اعطایی بانک‌های دولتی"، و "اشتغال‌زایی بنگاه‌های کوچک و متوسط" پیشنهاد شد. در ادامه به‌منظور آزمون مدل و فرضیات پیشنهادی و پاسخ به سؤالات پژوهش، از رویکرد تحلیل عاملی و فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی استفاده می‌شود. نتیجه نهایی نشان داد عامل اول (تسهیلات مرتبط با سرمایه ثابت در بخش صنعت و معدن) با بیشترین وزن (۰/۴۳) در رتبه اول، عامل دوم (تسهیلات مرتبط با سرمایه ثابت در بخش صنعت و معدن) با وزن (۰/۳۶) در رتبه دوم قرار گرفته است. همچنین عامل چهارم (تسهیلات مرتبط با سرمایه در گردش در بخش کشاورزی) با وزن (۰/۲۱) در رتبه آخر از نظر اهمیت قرار گرفت.

کلیدواژه‌ها: تسهیلات اعطایی، بانک‌های دولتی، اشتغال‌زایی بنگاه‌های کوچک و متوسط، اولویت‌بندی، فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی.

* نویسنده مسئول: m.ajalli@basu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۱۹

صفحات: ۸۰-۱۱۳

Evaluation and prioritization of the impact of the facilities granted by the state banks of Hamadan province in creating jobs for small and medium enterprises during the period (2017-2024)

H. Hajibabaei¹, M. Ajalli^{2*}, M. Fosolee³

1- Department of Management, Faculty of Literature and Humanities, Malayer University, Malayer, Iran

2- * Assistant Professor, Department of Management, Faculty of Management and Accounting, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran

3- Master of Business Administration, Islamic Azad University, Hamedan branch, Hamedan, Iran

(* - Corresponding Author Email: m.ajalli@basu.ac.ir)

Abstract

The expansion and revitalization of small and medium enterprises in industrial provinces is an inevitable necessity to reduce unemployment and use the potential capacities of industrial centers. Hamedan province, like other industrial provinces, is no exception in this regard and this factor can be effective in the economic growth of the province. The main purpose of this study is to evaluate and prioritize the impact of facilities granted by state-owned banks on job creation of small and medium enterprises in Hamadan province during the period (2016-2021). The research method is applied in terms of purpose and descriptive-survey in terms of data collection. The statistical population of the study includes 68 experts and managers of state-owned banks and related executive bodies involved in the research subject. Due to the limited size of the population, the census method (all members of the community) is used as a sample. For this purpose, by reviewing the literature, background and interviews with experts of state-owned banks and related executive bodies, a conceptual model consisting of the structures of "facilities granted by state-owned banks" and "employment of small and medium enterprises" was proposed. In order to test the proposed model and hypotheses and answer the research questions, the path analysis approach and the hierarchical analysis process are used. The final result of the evaluation with this process showed that the first factor (facilities related to working capital in the industry and mining sector) with the highest weight (0.43) ranked first, the second factor (facilities related to fixed capital in the industry and mining sector) It is ranked second with weight (0.36). Also, the fourth factor (facilities related to working capital in the agricultural sector) with a weight of (0.21) is ranked last in terms of importance. Finally, scientific and practical suggestions related to the output of the research hypotheses test are presented; Issues and inadequacies in the financing of small and medium enterprises in Hamadan province will be reviewed and solutions and improvement and development

* Corresponding Author: m.ajalli@basu.ac.ir

proposals for financing small and medium enterprises through the banking system will be presented.

Keywords: Granting facilities, state-owned banks, employment of small and medium enterprises, prioritization, hierarchical analysis process

(۱) مقدمه

بنگاه‌های کوچک و متوسط عاملی حیاتی برای رشد و توسعه اقتصادی یک کشور هستند. آن‌ها فعالیت‌های کارآفرینی و نوآورانه را تحریک می‌کنند و با ایجاد رقابت، حتی با بنگاه‌های بزرگ، رشد و پویایی را برای بازار به ارمغان می‌آورند. پژوهش‌ها نشان داده است که این بنگاه‌ها کمک مؤثری به ایجاد اشتغال و تولید ناخالص داخلی یک کشور می‌نمایند (Etale & Light, 2021; Otache and Usman, 2024). با توجه به اشتغال تعدادی زیادی از نیروی کار هر کشور (به‌ویژه کشورهای درحال توسعه) در بنگاه‌های کوچک و متوسط و نقش این بنگاه‌ها در توسعه اقتصادی این کشورها، توجه و مدیریت مناسب این بنگاه‌ها، یکی از مهم‌ترین شاخص‌های عملکرد دولت تلقی می‌گردد. آمارها نشان می‌دهند که در دهه گذشته، درصد بالایی از خلق فرصت‌های شغلی جدید در اتحادیه اروپا بر عهده بنگاه‌های کوچک و متوسط بوده است (Vice President of Economic Research, 2014). با توجه به ماهیت این بنگاه‌ها و ویژگی‌های منحصر به فردی همچون عدم توانایی تأمین وثیقه‌ها و ضمانت‌های حقیقی، گردش مالی محدود و ریسک بالای فعالیت به‌خصوص در مراحل اولیه شکل‌گیری، حمایت‌ها و پشتیبانی‌های مالی یکی از اصلی‌ترین محورهای حمایتی بنگاه‌های کوچک و متوسط می‌باشند که توسط نهادهای عمومی مختلف در کشورهای جهان صورت می‌پذیرد. هرچند که تأمین مالی این بنگاه‌ها یکی از مسائل و موضوعات اصلی فعالیت این بنگاه‌ها می‌باشد اما تهدیدات و کاستی‌های مختلفی را برای نهاد اعتبار دهنده و اعتبار گیرنده به دنبال دارد. از یک سو بنگاه کوچک و متوسط به دلایلی که ذکر شد همواره با محدودیت تأمین مالی روبرو است و یکی از بزرگ‌ترین موانع توسعه‌ای آن تأمین مالی پایدار و کم‌هزینه می‌باشد و از سوی دیگر نهادهای اعتبار دهنده به دلایل وجود ریسک‌هایی همچون وجود مخاطرات اخلاقی، ریسک نکول و عدم بازپرداخت و ... از اختصاص اعتبار به این بنگاه‌ها خودداری می‌نمایند (Karimi Tekanlo, 2013). با توجه به آن‌که در ایران، کارگاه‌های کوچک و متوسط بخش قابل توجهی از ارزش افزوده صنعتی و خدماتی و اشتغال صنعتی را به خود اختصاص داده‌اند نقش وام و اعتبارات بانکی‌ها در سرمایه‌گذاری بنگاه‌های کوچک و متوسط و ادامه حیات آن‌ها و اثر آن بر رشد اقتصادی کشور از اهمیت بالایی برخوردار است. یکی از مشکلاتی که بنگاه‌های کوچک و متوسط با آن مواجه

می‌باشند، جذب منابع موجود برای سرمایه‌گذاری بوده و یکی از اساسی‌ترین مشکلات آن‌ها تنگناهای مالی می‌باشد. این امر ناشی از مسائلی چون عدم وجود بانک‌های تخصصی جهت پرداخت تسهیلات به صنایع و بنگاه‌های کوچک و متوسط، مشکلات بیشتر صنایع و بنگاه‌های کوچک و متوسط برای ارائه وثیقه‌های بانکی جهت اخذ وام، عدم دریافت به‌موقع درآمد حاصل از فروش محصولات صنایع بنگاه‌های کوچک و متوسط و فقدان سرمایه‌گذاری‌های مشترک خارجی در ایران می‌باشد. توجه و روی آوردن به رشد و گسترش صنایع و بنگاه‌های کوچک و متوسط کارآفرین به‌عنوان یکی از راه‌های توسعه اقتصادی طی چهار دهه اخیر همواره مورد توجه کشورهای توسعه‌یافته و یا در حال توسعه بوده است. نیاز به سرمایه اندک، بازده و انعطاف‌پذیری بالا توجیه اقتصادی صنایع و بنگاه‌های کوچک و متوسط را بیش‌ازپیش نمایان می‌کند؛ اما متأسفانه با وجود امتیازات چشمگیر و نقش مهم این بنگاه‌ها در توسعه اقتصادی کشورمان موانع و مشکلات فراوانی بر سر راه این بنگاه‌ها قرار دارد (Circular of the Central Bank, 2015). این مسائل و مشکلات سبب گردیده است که طی سال‌های اخیر نقش و جایگاه بنگاه‌های کوچک، علیرغم حجم کم سرمایه مورد نیاز و میزان اشتغال‌زایی بالای آن‌ها خصوصاً در بخش صنعت و اقتصاد ایران رو به کاهش بوده است. صرف‌نظر از مسائل فنی و زیر ساختی که عامل مهمی در جهت پس‌رفت این بنگاه‌ها و کوچک شدن سهم آن‌ها در اقتصاد داشته است، ارتباط نامناسب این بنگاه‌ها با نظام مالی و بانک‌های کشور، کاهش سهم این بنگاه‌ها در اقتصاد کشور را دوچندان نموده است. بانک‌ها، مؤسسات مالی و در کل نظام مالی، نقش مهمی در ارائه اعتبار برای حمایت از رشد اقتصادی ایفا می‌کنند. تأمین مالی بانکی برای عملکرد اقتصاد حیاتی است زیرا منبع مهمی برای حمایت از توسعه این بنگاه‌ها است. باوجوداین، بانک‌ها و مؤسسات مالی تمایلی به ارائه وام اعتباری به ... ندارند (Wonglimpiyarat, 2015). نظام مالی دارای دو کارکرد اصلی تجهیز و تخصیص سرمایه برای زیر بخش‌های مختلف و مدیریت و کاهش ریسک فعالیت‌های اقتصادی می‌باشد که توسط سه بازار اصلی سرمایه، پول و عدم اطمینان (بیمه) انجام می‌شود. در یک اقتصاد سالم، کیفیت سرمایه‌گذاری‌ها افزایش و روز به روز به قدرت و سهم بازار این کشورها افزوده می‌شود، با کاهش ریسک، هزینه‌ها و دسترسی بهتر به نهادهای مالی، توان شرکت‌ها برای بهینه‌سازی فرایند تولید به شکل تصاعدی افزایش می‌یابد. در مقابل در صورت عملکرد نامناسب سیستم مالی، جریان نقدینگی به‌سوی فعالیت‌های غیرمولد و تورم‌زا هدایت می‌شوند و ازاین‌رو توسعه نهادهای مالی و بازارها، نقشی حیاتی در مسیر رشد این بازارها دارد. بازار مالی اصلی، نظام بانکی می‌باشد که بخش اعظمی از وظایف سپرده‌پذیری و اعطای اعتبارت کوتاه‌مدت و میان‌مدت را برعهده

دارد. ساختار بازار کشور ایران مبتنی بر نظام بانکی می‌باشد و بخش زیادی از فعالیت‌های مالی کشور از طریق این نهاد انجام می‌شود. در این پژوهش تمرکز بر نظام بانکی کشور می‌باشد و عملکرد نظام بانکی در اعطای اعتبارات به بنگاه‌های کوچک و متوسط کشور بررسی می‌شود. طبق برآوردهای صورت گرفته توسط بانک جهانی در ۲۰۱۸ حدود ۸ درصد از بنگاه‌های تولیدی جهان را تشکیل می‌دادند و بیش از ۱۸ درصد اشتغال جهانی در این صنایع بوده است. در ایران حدود ۰/۱ میلیون کارگاه کوچک و متوسط (کارگاه‌های دارای کمتر از ۱۸ نفر نیروی انسانی) در حال فعالیت می‌باشند که بخش اعظمی از ارزش افزوده صنعتی و خدماتی و اشتغال صنعتی را به خود اختصاص داده‌اند. در حال حاضر، فاصله عمیق میان صنایع بزرگ و کوچک موجب کمتر شدن نقش بنگاه‌های کوچک و متوسط از دایره فعالیت تولیدی در کشور گشته است. به‌طور کلی فعالیت و رشد این بنگاه‌ها با محدودیت‌های مختلفی همراه است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها در مقایسه با بنگاه‌های بزرگ محدودیت دسترسی به منابع مالی می‌باشد (Circular of the Central Bank, 2015). پژوهش‌ها نشان می‌دهند که محدودیت‌های مالی، مانع اساسی در رشد و توسعه این بنگاه‌ها می‌باشد. صنایع کوچک و متوسط به دلیل حجم محدود فعالیت و عدم ایجاد استانداردهای لازم برای حضور در بازار سرمایه، امکان استفاده اندک از ابزارهای بازار سرمایه را دارند. لذا محدودیت‌های تأمین مالی یکی از مهم‌ترین موانع توسعه عملکرد آن‌ها می‌باشد و در کشورهای مختلف جهان دولت‌ها سعی می‌نمایند با سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی به حمایت و پشتیبانی مالی از این بنگاه‌ها بپردازند (Shabanzadeh et al., 2013). صنعت مالی اسلامی جهانی پس از کاهش رشد به ۱۰/۶ درصد در سال ۲۰۲۰ (به‌استثنای ایران) بین ۱۰ تا ۱۲ درصد در سال‌های ۲۰۲۱-۲۰۲۲ رشد خواهد کرد. رشد دارایی‌های بانکداری اسلامی در برخی از کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، مالزی و ترکیه و انتشار صکوک بیش از سررسید این عملکرد را توضیح می‌دهد. علیرغم شوک مضاعف ناشی از بیماری همه‌گیر و کاهش قیمت نفت، منابع مالی اسلامی در سال ۲۰۲۰ به‌سرعت رشد کرد، البته با سرعت کمتری نسبت به سال ۲۰۱۹. به دلیل نوسانات شدید ارز کشور در بازار موازی (آن‌گونه که بانک مرکزی ایران فاش کرده است) ایران را از آمار امسال خود خارج کرده‌اند که این مسئله، مقایسه با اعداد یا پیش‌بینی‌های سال گذشته را کم معنا می‌کند (Damak, 2022). از آنجاکه نظام مالی کشور بیشتر مبتنی بر نهادهای بانکی می‌باشد، نظام بانکی کشور می‌تواند نقش زیادی در تأمین مالی این دسته از صنایع داشته باشد.

اما بانک‌ها به دلیل آینده مبهم این بنگاه‌ها، ترجیح می‌دهند که کمتر با آن‌ها وارد مشارکت شوند و در صورت همکاری نیز، منابع محدودی را در اختیار آن‌ها قرار می‌دهند. این منابع نمی‌تواند به بقای آن‌ها در

دنیای رقابتی امروز کمک شایانی نمایند. در این پژوهش به بررسی تأثیر تسهیلات اعطایی بانک‌های دولتی بر اشتغال‌زایی بنگاه‌های کوچک و متوسط در استان همدان و اولویت‌بندی میزان تأثیر تسهیلات اعطایی بانک‌های دولتی بر اشتغال‌زایی بنگاه‌های کوچک و متوسط استان همدان طی دوره با رویکرد تحلیل مسیر و فرآیند تحلیلی سلسله‌مراتبی^۱ پرداخته می‌شود؛ بنابراین، سؤال اصلی به این صورت مطرح می‌شود: "تسهیلات اعطایی بانک‌های دولتی چه تأثیری بر اشتغال‌زایی بنگاه‌های کوچک و متوسط استان همدان داشته و اولویت‌بندی آن‌ها به چه نحوی است؟"

۲) مبانی نظری و پیشینه پژوهش

بنگاه‌های کوچک و متوسط

یکی از بخش‌های اقتصادی اصلی هر کشور مجموعه بنگاه‌های کوچک و متوسط تولیدی می‌باشد که در دو دهه اخیر نقش بسیاری زیادی در رشد صنعتی کشورها ایفا نموده‌اند و این امر سبب گردیده است که حضور و توسعه فعالیت این بنگاه‌ها به عنوان یکی از راهکارهای اصلی عبور از دوره گذار و دستیابی به جامعه‌ای صنعتی مورد توجه قرار گیرد. این صنایع عامل رشد اشتغال در کشورهای در حال توسعه می‌باشند. قابلیت‌های ویژه این دسته از بنگاه‌ها در مقایسه با بنگاه‌های بزرگ همچون توان تولید بیشتر و انعطاف‌پذیرتر، خلق فرصت‌های جدید از طریق نوآوری و تولید فناوری‌های نوین، امکان تطبیق بیشتر محصولات تولیدی با نیازها و خواسته‌های مشتریان، کمک به کاهش فقر در کشورها می‌باشند؛ زیرا بیشتر بنگاه‌های کوچک و متوسط دارای فناوری کاربر بوده که اشتغال را در جامعه افزایش می‌دهند؛ لذا مجموعه عوامل فوق باعث گردیده‌اند تا گسترش و توسعه یکی از راهبردهای توسعه صنعتی در کشورهای مختلف جهان باشد.

بررسی‌های مختلف در این خصوص نشان می‌دهد بنگاه‌های کوچک و متوسط، جایگاه منحصربه‌فرد و برجسته‌ای در اقتصاد جهانی و رونق اقتصاد جهانی بر ظهور و رشد این بنگاه‌ها استوار است (Rao et al., 2023). این بنگاه‌ها می‌توانند از طریق ایجاد اشتغال، صنعتی‌سازی پایدار، پرورش نوآوری و کاهش نابرابری درآمد، مشارکت قابل توجهی در اهداف توسعه پایدار کشورها داشته باشند (Bartolacci et al., 2020). مطالعات نظری و تجربی نشان می‌دهند که تأمین مناسب و به موقع سرمایه، هم به طور مستقیم

^۱ AHP

به‌عنوان یکی از عوامل تولید و هم از طریق افزایش بهره‌وری دیگر عوامل، سبب بالا رفتن قدرت رقابت‌پذیری، تولید و رفاه جامعه می‌شود (Ghasemipour Masuleh, 2012). تعریف بنگاه‌های کوچک و متوسط، از کشوری به کشور دیگر و حتی در داخل کشورهای مختلف، با توجه به بخش کسب‌وکار مربوطه، مانند کشاورزی، منابع طبیعی، تولید، خدمات و خرده‌فروشی، بسیار متفاوت است و هیچ معیار جهانی برای یک این بنگاه‌ها وجود ندارد. بسیاری از موارد به ماهیت کشور میزبان مربوطه و مشخصات بخش شرکت خاص بستگی دارد؛ اما سه پارامتر اصلی که به‌طور کلی برای تعریف این بنگاه‌ها اعمال شده‌اند عبارتند از تعداد کارمندان، گردش مالی کسب‌وکار و مقدار سرمایه‌گذاری. به‌عنوان مثال، کشورهای درحال توسعه در شرق و جنوب آسیا، بنگاه‌هایی با ۱۰۰ تا ۳۰۰ کارمند را به‌عنوان بنگاه‌های کوچک و متوسط طبقه‌بندی می‌کنند (Abe et al., 2015). در اتحادیه اروپا واحدهای کمتر از ۱۰ کارکن را به‌عنوان بنگاه‌های خرد، بین ۱۰ تا ۵۰ کارکن، بنگاه متوسط و بین ۵۰ تا ۲۵۰ کارکن، واحد بزرگ تلقی می‌شود، اما در ایران و بیشتر کشورهای درحال توسعه، واحدهای کوچک تا ۱۰ کارکن می‌باشد. بنگاه‌های اقتصادی کوچک حلقه‌های ارتباطی بین مصرف‌کنندگان محصولات تولیدی و صنایع بزرگ می‌باشند. به این معنی که این بنگاه‌ها از راه پیمانکاری و با تولید قطعات نیمه ساخته موردنیاز صنایع بزرگ، این امکان را به برنامه‌ریزان صنایع بزرگ می‌دهند تا بتوانند هم‌زمان به تولید کالاهای متعدد پرداخته و ضمن تغییر خط تولید کارخانه و تولید کالاهای با فناوری پیشرفته‌تر تا مدتی طولانی با فروش قطعات به بنگاه‌های بزرگ به آنان یاری رسانند (Dehghan Dehnavi, 2015؛ Ghorbani & Hosni, 2016). در ایران بر اساس تعریف وزارت صنعت، معدن و تجارت و وزارت جهاد کشاورزی، بنگاه‌های کوچک و متوسط، واحدهای صنعتی و خدماتی (شهری و روستایی) هستند که کمتر از ۵۰ نفر کارگر دارند (Alsadat Aghili et al., 2013). بنگاه‌های کوچک و متوسط با در اختیار داشتن ترکیبی متمایز و منحصر به فرد از منابع انسانی و مالی، حمایت‌های اجتماعی و زمینه‌های آموزشی و فرهنگی، بهترین و قوی‌ترین عوامل برای پشتیبانی از جریان کارآفرینی به شمار می‌روند (Khoshnodifar et al., 2012). با توجه به اهمیت بنگاه‌های کوچک و متوسط و نقش بی‌بدیل آن‌ها در توسعه اقتصادی، بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه ایجاد و حمایت از این بنگاه‌ها را یکی از اولویت‌های اساسی خود قرار داده (UNIDO, 2018) و با در پیش گرفتن سیاست‌های منسجم و هماهنگ، توانسته‌اند گام‌های بزرگی در کاهش بحران‌های اقتصادی و اجتماعی که بیکاری عمده‌ترین آن‌ها محسوب می‌شود، بردارند (Shabanzadeh et al., 2013). به بنگاه‌های کوچک و متوسط به دلیل نقش آن‌ها در

رشد و توسعه اقتصادی، هم در کشورهای توسعه‌یافته و هم در کشورهای در حال توسعه، بیش‌ازپیش توجه شده است. پژوهش‌های متعدد دربارهٔ این بنگاه‌ها نشان می‌دهد مسئله تأمین مالی برای آن‌ها از جمله موانع و چالش‌های مهم به شمار می‌رود (Safi Dastjerdi et al., 2021).

اشتغال‌زایی بنگاه‌های کوچک و متوسط

حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط، کلیدی برای شکوفایی اقتصاد مبتنی بر دانش و نوآوری است. این بنگاه‌ها با پرورش روحیه کارآفرینی، ایجاد بستر مناسب برای ایده‌های نو و بهره‌گیری از ظرفیت‌های جوانان، موتور محرک رشد و توسعه پایدار در بسیاری از کشورها به شمار می‌روند. در ایران نیز، این بنگاه‌ها نقش محوری در ایجاد اشتغال و متنوع‌سازی اقتصاد داشته‌اند و همین امر، توجه ویژه به این بخش را دوجندان می‌سازد. در سال ۱۳۹۵، بانک مرکزی با هدف تقویت جایگاه این بنگاه‌ها در اقتصاد کشور و رفع موانع مالی پیش روی آن‌ها، دستورالعملی را به شبکه بانکی ابلاغ نمود. این دستورالعمل با تأکید بر نقش این بنگاه‌ها در ایجاد اشتغال، بانک‌ها و مؤسسات اعتباری را مکلف کرد تا با تسهیل دسترسی این بنگاه‌ها به منابع مالی، به فعال‌سازی ظرفیت‌های تولیدی آن‌ها و ارتقای توان رقابت‌پذیری‌شان کمک کنند. (Circular of the Central Bank, 2015). در حال حاضر، اشتغال‌زایی بنگاه‌های کوچک و متوسط در دو بخش صنعت و معدن و بخش کشاورزی انجام می‌گیرد.

آیین‌نامه اجرایی گسترش بنگاه‌های کوچک اقتصادی زودبازده و کارآفرین

در سال‌های اخیر، پدیده نوظهور "بنگاه‌های زودبازده" به‌عنوان ستون فقرات اقتصاد بسیاری از کشورها مطرح شده است. این بنگاه‌ها که ریشه‌های تاریخی‌شان به بحث‌های توسعه دهه‌های گذشته بازمی‌گردد، با ظهور فناوری‌های نوین، تحولی شگرف در دنیای کسب‌وکار ایجاد کرده‌اند. بنگاه‌های زودبازده با چالاکی و نوآوری خود، نقش مؤثری در ایجاد اشتغال، کاهش فقر و بهبود وضعیت اقتصادی جوامع ایفا می‌کنند. از کارگاه‌های کوچک خانگی تا شرکت‌های دانش‌بنیان بزرگ، همه در این دسته جای می‌گیرند. این بنگاه‌ها با انطباق سریع با تغییرات بازار و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، به موتور محرکه رشد اقتصادی تبدیل شده‌اند و در بسیاری از کشورهای در حال توسعه ضمن دستیابی به اهداف بنیادین همچون ایجاد اشتغال، ریشه‌کن نمودن فقر، بهبود توزیع درآمد و برآوردن نیازهای اساسی کشورهای در حال توسعه نقش مؤثری دارند (Rafe et al., 2011). در سال ۱۳۸۴، ایران طرحی را برای رونق اقتصاد و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید آغاز کرد. این طرح که به "بنگاه‌های زودبازده" معروف شد، با هدف

حمایت از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط و توزیع عادلانه ثروت در سراسر کشور به اجرا درآمد. دولت با ارائه تسهیلات بانکی ارزان‌قیمت، تلاش کرد تا به کارآفرینان کمک کند تا ایده‌های خود را به واقعیت تبدیل کنند. برخی معتقدند که این طرح به ایجاد اشتغال و رشد اقتصادی کمک کرده است. در مقابل، برخی دیگر بر این باورند این طرح به دلایلی مانند نظارت ناکافی، سوءاستفاده از تسهیلات و شرایط اقتصادی نامناسب، نتوانسته به اهداف خود برسد. در راستای شکوفایی ظرفیت‌های تولیدی کشور، بانک مرکزی در سال ۱۳۹۵، ابلاغی مبنی بر حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط صادر نمود. این ابلاغیه با تأکید بر نقش بی‌بدیل این بنگاه‌ها در ایجاد اشتغال، زمینه‌ساز اعطای تسهیلات گسترده به آن‌ها گردید. در این میان، استان همدان نیز با اتکا به این سیاست کلان، گام‌های مؤثری در جهت حمایت از واحدهای تولیدی کوچک و متوسط برداشت. بانک‌های دولتی این استان از سال ۱۳۹۵ با ارائه تسهیلاتی در قالب سرمایه در گردش، سرمایه ثابت و نوسازی، به تقویت زیرساخت‌های این بنگاه‌ها همت گماردند. حال پرسشی اساسی مطرح می‌شود: آیا این جریان حمایت مالی به اهداف مورد نظر دست یافته است؟ آیا تسهیلات اعطایی به افزایش اشتغال و رونق اقتصادی استان همدان کمک شایانی کرده است؟ این پژوهش با هدف پاسخ به این پرسش‌ها، تأثیرات تسهیلات اعطایی به بنگاه‌های کوچک و متوسط را در بخش‌های صنعت، معدن و کشاورزی استان همدان در بازه زمانی ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۲ مورد بررسی قرار می‌دهد. بدین ترتیب، با تحلیل داده‌های آماری و انجام مطالعات میدانی، می‌توان به ارزیابی دقیق‌تری از اثربخشی این سیاست‌ها دست یافت.

اثرگذاری تسهیلات بر اشتغال‌زایی بنگاه‌های کوچک و متوسط

در سال‌های اخیر، مسئله تأمین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط، به‌عنوان راهی برای ساختن یک اقتصاد مبتنی بر نوآوری، توجه بیشتری را به خود جلب کرده است. بسیاری از اقتصاددانان استدلال می‌کنند که با وجود تمرکز سنگین هزینه‌های تحقیق و توسعه در شرکت‌های بزرگ، این شرکت‌های کوچک هستند که بیشتر اختراعات و نوآوری‌های مهم را به خود (Wonglimpiyarat, 2015) و این در حالی است که عدم توجه سیستم مالی کشورها، به این بنگاه‌ها، مشکلات متعددی را برای بنگاه‌های کوچک و متوسط ایجاد نموده است. سرمایه‌گذاران رسمی مانند بانک‌ها و مؤسسات مالی، برای مدیریت ریسک خود تقاضای وثیقه می‌کنند و بیشتر اوقات این بنگاه‌ها قادر به برآورده کردن تأمین این وثیقه‌ها نیستند که این امر دسترسی آن‌ها به منابع مالی از کانال‌های رسمی را محدود می‌کند. کنار رفتن تأمین‌کنندگان مالی

اصلی مانند بانک‌ها و مؤسسات مالی می‌تواند منجر به یک اثر جایگزینی شود، که زمانی رخ می‌دهد که این بنگاه‌ها به منابع جایگزین و کانال‌های غیررسمی تأمین مالی مانند (الف) خانواده، دوستان و اقوام، که به‌طور کلی برای وام‌گیرندگان مثبت اما برای قرض‌دهندگان به دلیل اینکه نمی‌توانند تضمین لازم را از این بنگاه‌ها برای بازگشت سرمایه داشته باشند، بسیار خطرناک هستند، و (ب) وام‌دهندگان غیرقانونی که می‌توانند برای بنگاه‌ها مجموعه متفاوتی از مشکلات (مانند اخاذی، آزار و اذیت، افزایش هزینه انجام کسب‌وکار) ایجاد کنند؛ بنابراین، وجود محدودیت‌های مالی می‌تواند مانع رشد و توسعه این بنگاه‌ها شود (Rao et al., 2023). پژوهش (Lotfi & Ahmadzadeh, 2007) با هدف بررسی تأثیر تسهیلات بانکی بر ارزش‌افزوده بخش کشاورزی انجام شده است. نتایج این پژوهش که با استفاده از روش رگرسیون خطی معمولی (OLS) به دست آمده، نشان می‌دهد که بین تسهیلات اعطایی بانک‌های تخصصی به بخش کشاورزی و ارزش‌افزوده این بخش، رابطه مستقیم و مثبتی وجود دارد؛ به عبارت دیگر، هرچه میزان تسهیلات اعطایی افزایش یابد، ارزش‌افزوده بخش کشاورزی نیز افزایش خواهد یافت. بر اساس تخمین‌های این پژوهش، هر یک واحد افزایش در تسهیلات بانکی، منجر به افزایش ۲/۷۸ واحدی در ارزش‌افزوده بخش کشاورزی می‌شود. پژوهش (Bakhtiari, 2010) به بررسی رابطه بلندمدت بین اعتبارات خرد و ارزش‌افزوده بخش کشاورزی پرداخته است. این پژوهش با استفاده از داده‌های آماری دوره زمانی ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۴، به این نتیجه رسیده است که بین این دو متغیر رابطه مستقیمی وجود دارد؛ به عبارت دیگر، افزایش اعتبارات خرد به بخش کشاورزی منجر به افزایش ارزش‌افزوده این بخش می‌شود. به عبارتی این یافته نشان می‌دهد که اعتبارات خرد به‌عنوان یک عامل مهم در افزایش تولید و بهره‌وری در بخش کشاورزی عمل می‌کند. کشاورزان با استفاده از این اعتبارات می‌توانند به نهاده‌های کشاورزی، تجهیزات و فناوری‌های جدید دسترسی پیدا کنند و در نتیجه تولید خود را افزایش دهند. اعتبارات خرد به‌عنوان یک ابزار مؤثر برای توسعه بخش کشاورزی و کاهش فقر روستایی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. پژوهش (Tayibi et al., 2010) به بررسی تأثیر تخصیص تسهیلات بانکی بر اشتغال‌زایی در بخش‌های مختلف اقتصادی ایران پرداخته است. این پژوهش با استفاده از داده‌های آماری دوره زمانی ۱۳۵۲ تا ۱۳۸۵، به این نتیجه رسیده است که تخصیص تسهیلات بانکی به بخش‌های مختلف اقتصادی بر میزان اشتغال‌زایی تأثیرگذار بوده است. به‌طور خاص، این پژوهش نشان می‌دهد که بخش کشاورزی بیشترین میزان اشتغال‌زایی را در نتیجه دریافت تسهیلات بانکی تجربه کرده است، در حالی که بخش خدمات کمترین میزان اشتغال‌زایی را داشته است. پژوهش (Faaliet & Kharkhani, 2011) به بررسی تأثیر وام‌های خرد بر

اشتغال در ایران پرداخته و نتایج متفاوتی نسبت به پژوهش‌های قبلی ارائه داده است. این پژوهش نشان می‌دهد که وام‌های خرد تأثیر قابل توجهی بر ایجاد اشتغال رسمی با حقوق و دستمزد ندارند. همچنین وام‌های خرد تأثیر بسیار کمی بر ایجاد اشتغال غیررسمی و بدون حقوق و دستمزد دارند. این یافته‌ها نشان می‌دهند که اگر مفهوم محدودتری از اشتغال را در نظر بگیریم (اشتغال رسمی با حقوق و دستمزد)، تأثیر وام‌های خرد بر تقاضای نیروی کار منفی یا ناچیز است؛ اما اگر مفهوم گسترده‌تری از اشتغال را در نظر بگیریم (شامل اشتغال غیررسمی)، تأثیر وام‌های خرد بر تقاضای نیروی کار مثبت، اما بسیار اندک است. پژوهش (Karimi, 2013) با هدف بررسی تأثیر تسهیلات اعطایی به بنگاه‌های کوچک و متوسط زودبازده بر کارآفرینی و اشتغال‌زایی در بخش تعاون انجام شده است. این پژوهش با استفاده از روش داده‌های تابلویی، به مدت پنج سال (۱۳۸۴ تا ۱۳۸۹) و در سطح استان‌ها، به بررسی این موضوع پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که: در دو سال ابتدایی اجرای طرح، تسهیلات اعطایی به بنگاه‌های زودبازده منجر به افزایش قابل توجهی در تعداد بنگاه‌های تعاونی و اشتغال‌زایی در این بخش شده است؛ اما با گذشت زمان، تأثیر مثبت این تسهیلات کاهش یافته و در سال‌های پایانی دوره مورد مطالعه، این تأثیر بسیار ناچیز شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تسهیلات اعطایی به بنگاه‌های زودبازده می‌تواند در کوتاه‌مدت محرک خوبی برای ایجاد اشتغال و افزایش تعداد بنگاه‌های تعاونی باشد؛ اما برای حفظ و توسعه اشتغال‌زایی در بخش تعاون، تنها به اعطای تسهیلات بسنده نمی‌شود و به عوامل دیگری مانند بهبود محیط کسب و کار، آموزش نیروی کار، دسترسی به بازار و حمایت‌های مداوم نیاز است. همچنین عوامل دیگری مانند سیاست‌های دولت، شرایط اقتصادی کلان و رقابت در بازار نیز می‌توانند بر تأثیر تسهیلات بر اشتغال‌زایی تأثیرگذار باشند. پژوهش (Rezai & Safa, 2015) با هدف شناسایی موانع توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط زودبازده و کارآفرین کشاورزی در استان زنجان انجام شده است. این پژوهش با استفاده از پرسشنامه و تحلیل عاملی، شش عامل اصلی را به عنوان موانع اصلی توسعه این بنگاه‌ها شناسایی کرده است. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که شش عامل اصلی عبارتند از: سیاسی- زیرساختی: شامل مواردی مانند کمبود زیرساخت‌ها، بی‌ثباتی قوانین و مقررات، و عدم حمایت دولت از بخش کشاورزی. قانونی: شامل پیچیدگی قوانین و مقررات، طولانی‌بودن فرآیندهای اداری و عدم شفافیت قوانین. مالی- هزینه‌ای: شامل مشکلات تأمین مالی، نرخ بالای بهره، و هزینه‌های بالای تولید. مهارتی- آموزشی: شامل کمبود نیروی کار ماهر، نبود آموزش‌های تخصصی و عدم دسترسی به اطلاعات فنی. فنی- جغرافیایی: شامل محدودیت‌های جغرافیایی، مشکلات حمل و نقل و دسترسی محدود به فناوری‌های

نوین. ارتباطی - اطلاع‌رسانی: شامل ضعف در شبکه‌های ارتباطی، عدم دسترسی به اطلاعات بازار و کمبود مشاوره‌های تخصصی. اهمیت هر یک از عوامل: با توجه به واریانس تبیین شده توسط هر عامل، می‌توان گفت که عوامل سیاسی - زیرساختی، قانونی و مالی - هزینه‌ای از اهمیت بیشتری برخوردارند. پژوهش (Ghorbani & Hosni, 2015) با هدف بررسی رابطه بین تسهیلات بانکی و طرح‌های خوداشتغالی انجام شده است. این پژوهش از یک رویکرد نوین به نام مدل‌سازی سلسله مراتبی استفاده کرده است که به دلیل ساختار سلسله مراتبی داده‌ها (سطح فردی و سطح منطقه‌ای) بسیار مناسب است. یافته‌ها نشان می‌دهد که داده‌های پژوهش دارای ساختار سلسله مراتبی هستند، به این معنی که علاوه بر تفاوت‌های فردی، تفاوت‌هایی نیز در سطح مناطق وجود دارد که باید در مدل‌سازی لحاظ شود. بر خلاف انتظار اولیه، تحلیل‌ها نشان داد که بین میزان تسهیلات اعطایی و ظرفیت طرح‌های خوداشتغالی رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود ندارد. عدم وجود رابطه مستقیم بین تسهیلات و ظرفیت طرح‌ها ممکن است به دلیل تأثیر عوامل دیگری مانند مدیریت طرح، آموزش، دسترسی به بازار و ... باشد و صرف اعطای تسهیلات برای موفقیت طرح‌های خوداشتغالی کافی نیست و باید مطالعات دقیق امکان‌سنجی و مکان‌یابی برای هر طرح انجام شود. پژوهش (Fathi-Aqababa et al., 2019) به بررسی تأثیر تسهیلات بانکی بر رشد ارزش افزوده در بخش‌های مختلف اقتصادی ایران پرداخته است. این پژوهش با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته سیستمی و رویکرد حالت پایدار، به تحلیل داده‌های دوره زمانی ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۶ پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که هر دو نوع تسهیلات بانکی (تکلیفی و غیرتکلیفی) تأثیر مثبت و معناداری بر رشد ارزش افزوده در بخش‌های مختلف اقتصادی دارند. بخش‌های خدمات، صنعت و معدن، ساختمان و مسکن و کشاورزی به ترتیب بیشترین تأثیر را از تسهیلات بانکی دریافت می‌کنند. همچنین پژوهشگران بر اهمیت اولویت‌بندی بخش‌ها بر اساس بازدهی اقتصادی و تخصیص بهینه اعتبارات بانکی تأکید کرده‌اند. (Safi Dastjerdi et al., 2021) در پژوهشی به بررسی ناپاطمینی نرخ سود تسهیلات و تأمین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط منتخب پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار پرداختند. در این پژوهش با توجه به تأثیر ناپاطمینی بر شدت و نحوه اثرگذاری متغیرهای اقتصادی، به دنبال آن است تا به‌طور مشخص نقش ناپاطمینی نرخ سود تسهیلات در تأمین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط که یکی از چالش‌های اصلی توسعه آن‌ها است را با استفاده از الگوی داده‌های تابلویی بررسی کند. به‌طور کلی، نتایج نشان‌دهنده اثر منفی و معنی‌دار ناپاطمینی نرخ سود تسهیلات بر تأمین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط در ایران است. بر اساس نتایج تجربی پیشنهاد می‌شود برای بهبود تأمین مالی این بنگاه‌ها در کشور، از طریق کاهش دامنه نوسان‌های نرخ سود حقیقی تسهیلات،

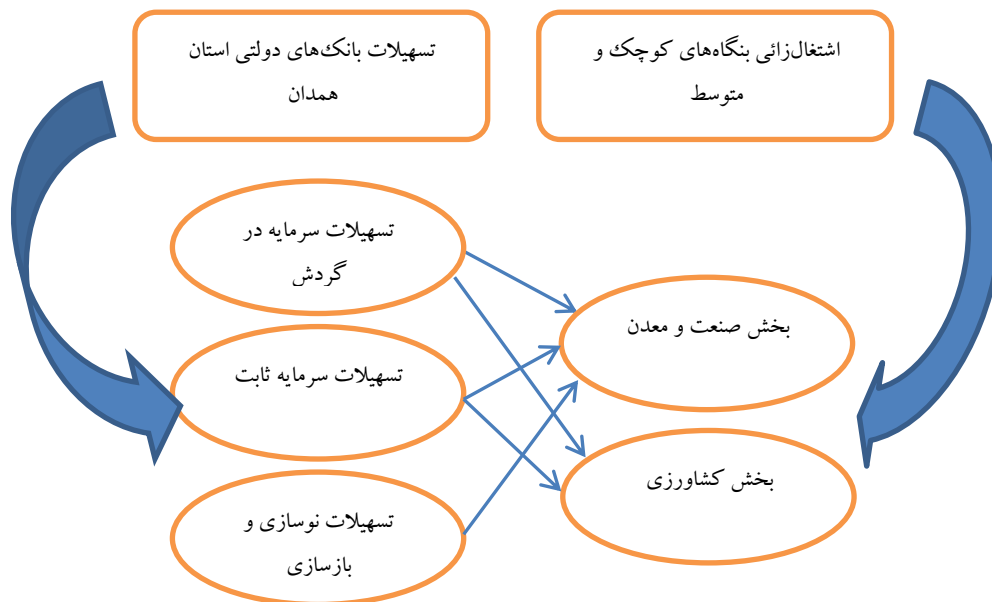
سیاست‌های مبتنی بر کاهش ناطمینانی نرخ سود تسهیلات در پیش گرفته شود. (Rostamian et al., 2023) در پژوهشی به بررسی اثرات اعتبارات بنگاه‌های کوچک و متوسط بر رشد اقتصادی و اشتغال (الگوی تعادل عمومی قابل محاسبه پویا) پرداختند. نتایج حاصل از تحلیل میزان اشتغال‌زایی در بنگاه‌های کوچک، متوسط (و بزرگ) نشان داد که: نرخ اشتغال‌زایی در بازه زمانی بین سال‌های (۱۳۹۱-۱۳۸۴)، با در نظر گرفتن سقف اعتبارات ۲۰، ۳۰، ۴۰ و ۵۰ درصدی که از طرف دولت انجام گرفته صعودی می‌باشد؛ بنابراین می‌توان گفت میزان تخصیص اعتبارات رابطه مستقیمی در میزان تولیدات بنگاه‌های کوچک، متوسط (و بزرگ) و به تبع آن میزان اشتغال‌زایی دارد. میزان اشتغال‌زایی در بنگاه‌های بزرگ در مقایسه با بنگاه‌های کوچک و متوسط بیشتر بود که به دلیل متمرکز کردن سیستم مدیریت یکپارچه و نوع حمایت‌های بیشتری که دولت در اختیار این نوع بنگاه‌ها قرار می‌دهد، می‌باشد.

در پژوهش‌های خارجی، (Maya & Anton, 2012) به بررسی موانع توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط در اندونزی پرداخته است. بر اساس یافته‌های این مطالعه، مهم‌ترین موانع پیش روی این بنگاه‌ها عبارتند از: رقابت شدید (وجود رقابت شدید در بازار، بنگاه‌های کوچک و متوسط را با چالش‌های جدی مواجه می‌کند)، محدودیت دسترسی به منابع مالی (عدم دسترسی کافی به منابع مالی، یکی از بزرگ‌ترین موانع رشد بنگاه‌های کوچک و متوسط)، قیمت بالای نهاده‌های انرژی (افزایش قیمت نهاده‌های انرژی، هزینه‌های تولید بنگاه‌ها را افزایش داده و سودآوری آن‌ها را کاهش می‌دهد)، کمبود فناوری (عدم دسترسی به فناوری‌های نوین، بنگاه‌های اندونزیایی را در رقابت با رقبا عقب نگه می‌دارد)، نبود ثبات اقتصادی (نوسانات اقتصادی و عدم ثبات سیاست‌ها، برنامه‌ریزی بلندمدت بنگاه‌ها را با مشکل مواجه می‌کند)، کمبود مهارت مدیریتی (پایین بودن سطح مهارت مدیران، یکی از عوامل مهم در عدم موفقیت بنگاه‌ها است)، کوچک بودن بازارها (کوچک بودن بازارهای داخلی و خارجی، فرصت‌های رشد بنگاه‌ها را محدود می‌کند)، کمبود نهاده‌های تولیدی (عدم دسترسی کافی به نهاده‌های تولیدی با کیفیت و به قیمت مناسب، تولید را با مشکل مواجه می‌کند). مطالعه (Blossom et al., 2014) به بررسی چالش‌ها و موانع توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط در کشور اردن پرداخته است. بر اساس نتایج این مطالعه، مهم‌ترین موانع پیش روی این بنگاه‌ها عبارتند از: ضعف در سیاست‌های دولتی: عدم وجود سیاست‌های حمایتی کافی از سوی دولت، یکی از بزرگ‌ترین موانع رشد بنگاه‌های کوچک و متوسط است. مسائل اداری و مدیریتی (پیچیدگی‌های اداری، بروکراسی طولانی و کمبود مهارت‌های مدیریتی، از دیگر چالش‌های پیش روی این بنگاه‌ها است). کمبود سرمایه و منابع مالی (عدم دسترسی کافی به منابع مالی،

یکی از بزرگ‌ترین موانع رشد بنگاه‌های کوچک و متوسط است)، نبود بازارهای کافی (کوچک بودن بازارهای داخلی و خارجی، فرصت‌های رشد بنگاه‌ها را محدود می‌کند). پژوهش (Rostamian et al., 2023) به بررسی تأثیر اعتبارات اعطایی به بنگاه‌های کوچک و متوسط بر رشد اقتصادی و اشتغال پرداخته است. این پژوهش با استفاده از یک مدل تعادل عمومی قابل‌محاسبه پویا (DCGE) به تحلیل این رابطه پرداخته و به نتایج جالبی دست یافته است. پژوهش نشان می‌دهد که افزایش اعتبارات اعطایی به بنگاه‌ها با افزایش نرخ اشتغال‌زایی رابطه مستقیم دارد؛ به عبارت دیگر، هرچه اعتبارات بیشتری به این بنگاه‌ها اختصاص یابد، میزان اشتغال ایجاد شده نیز بیشتر خواهد بود. همچنین، افزایش اعتبارات نه تنها به افزایش اشتغال منجر می‌شود، بلکه بر میزان تولیدات بنگاه‌های نیز تأثیر مثبت دارد و در نهایت اگرچه بنگاه‌های بزرگ توانایی بیشتری در ایجاد اشتغال دارند، اما بنگاه‌های کوچک و متوسط نیز نقش مهمی در اشتغال‌زایی ایفا می‌کنند. علاوه بر این، پژوهش نشان می‌دهد که نوع حمایت‌های دولت از بنگاه‌های بزرگ و کوچک و متوسط متفاوت است و این تفاوت‌ها بر میزان اشتغال‌زایی آن‌ها تأثیر می‌گذارد. (Laura et al., 2019) در پژوهشی به بررسی کمک‌های شرکت‌های کوچک و متوسط به اشتغال در کشورهای اتحادیه اروپا پرداختند. با وجود این واقعیت که در طول دوره مورد مطالعه، کشورهای اتحادیه اروپا-۲۸ با بحران اقتصادی مواجه شدند، نقش مهم شرکت‌های کوچک و متوسط در ایجاد شغل و کاهش بیکاری چشم‌گیر است.

(Inegbedion et al., 2024) در مطالعه‌ای به بررسی رقابت‌پذیری و ایجاد اشتغال شرکت‌های کوچک و متوسط با نقش واسطه‌ای رشد شرکت‌ها پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که نوآوری محصول و تمایز محصول به دلیل ظرفیت آن‌ها برای افزایش رشد شرکت‌های کوچک و متوسط، با ایجاد اشتغال رابطه معناداری دارد. ثانیاً، رشد شرکت‌ها نقش واسطه‌ای در رابطه بین رقابت‌پذیری شرکت‌ها (تمایز محصول، نوآوری و تقلید) و ایجاد اشتغال ایفا می‌کند. این مطالعه از طریق استفاده از خط تولید، نوآوری، تمایز و تقلید در یک چارچوب واحد برای عملیاتی کردن رقابت شرکت‌ها و همچنین میانجیگری رابطه بین رقابت‌پذیری شرکت‌ها و ایجاد اشتغال با نرخ رشد شرکت‌ها، با مطالعات قبلی متفاوت است. علاوه بر این، این مطالعه از طریق استفاده از قابلیت‌های مبتنی بر فعالیت یک شرکت برای نشان دادن رقابت‌پذیری آن، سهمی نظری قوی‌تری دارد.

با عنایت به پیشینه پژوهش مشخص می‌شود که تسهیلات و اعتبارات اعطایی به بنگاه‌ها تأثیر مثبتی بر بهبود تولید و اشتغال‌زایی دارند. به‌منظور تحقق موضوع پژوهش و بررسی جامع موضوع پژوهش، مدل مفهومی پیشنهادی پژوهش به‌صورت شکل ۱ ارائه می‌شود:



شکل ۱: مدل مفهومی پیشنهادی پژوهش

با عنایت به مدل مفهومی پیشنهادی، سؤالات زیر در نظر گرفته می‌شوند:

۱. تسهیلات مرتبط با سرمایه در گردش چه تأثیری بر اشتغال‌زایی بنگاه‌ها در بخش صنعت و معدن استان همدان طی دوره (۱۳۹۵-۱۴۰۲) داشته است؟
۲. تسهیلات مرتبط با سرمایه ثابت چه تأثیری بر اشتغال‌زایی بنگاه‌ها در بخش صنعت و معدن استان همدان طی دوره (۱۳۹۵-۱۴۰۲) داشته است؟
۳. تسهیلات مرتبط با نوسازی و بازسازی چه تأثیری بر اشتغال‌زایی بنگاه‌ها در بخش صنعت و معدن استان همدان طی دوره (۱۳۹۵-۱۴۰۲) داشته است؟
۴. تسهیلات مرتبط با سرمایه در گردش چه تأثیری بر اشتغال‌زایی بنگاه‌ها در بخش کشاورزی استان همدان طی دوره (۱۳۹۵-۱۴۰۲) داشته است؟

۵. تسهیلات مرتبط با سرمایه ثابت چه تأثیری بر اشتغال‌زایی بنگاه‌ها در بخش کشاورزی استان همدان طی دوره (۱۴۰۲-۱۳۹۵) داشته است؟

۶. اولویت‌بندی تسهیلات اعطایی بانک‌های دولتی از نظر تأثیرگذاری بر اشتغال‌زایی بنگاه‌های کوچک و متوسط استان همدان طی دوره (۱۴۰۲-۱۳۹۵) به چه نحوی است؟

۳) روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش در این مطالعه بر مبنای هدف، از نوع کاربردی^۱ و از نظر روش جمع‌آوری داده‌ها، توصیفی-پیمایشی^۲ از نوع کمی است. همچنین با توجه به طول زمان اجرای تحقیق از نوع مقطعی است. با توجه به اینکه این پژوهش می‌تواند در فرآیند تصمیم‌گیری مدیران بانک‌های منطقه همدان و بنگاه‌های کوچک و متوسط استان همدان مورداستفاده قرار گیرد، نوع پژوهش کاربردی محسوب می‌شود. در این پژوهش به توصیف متغیرهای "تسهیلات اعطایی بانک‌های دولتی" و "اشتغال‌زایی بنگاه‌های کوچک و متوسط استان همدان" پرداخته شده است. لذا بر مبنای روش، توصیفی از نوع علی-معلولی می‌باشد. جامعه مورد پژوهش شامل ۶۸ نفر از خبرگان و مدیران بانک‌های دولتی و دستگاه‌های اجرایی مرتبط و درگیر در موضوع پژوهش هستند که به شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای و تصادفی ساده انتخاب خواهند شد. بدین منظور پرسشنامه‌ای طراحی و میان کارکنان شرکت‌های (طبقات) موردنظر به‌صورت تصادفی توزیع و جمع‌آوری خواهد شد. جهت تحلیل داده‌های پژوهش از روش تحلیل مسیر با نرم‌افزار اس پی ال اس^۳ بهره گرفته خواهد شد. در بخش آزمون فرضیات و پاسخ به سؤالات در پژوهش حاضر، به علت محدود بودن اندازه جامعه، از روش تمام‌شمار (تمامی ۶۸ نفر خبره به‌عنوان اعضای جامعه) به‌عنوان نمونه استفاده می‌شود. بدین منظور، با مرور ادبیات، پیشینه و مصاحبه با خبرگان بانک‌های دولتی و دستگاه‌هایی اجرایی مرتبط، مدلی مفهومی متشکل از سازه‌های "تسهیلات اعطایی بانک‌های دولتی" و "اشتغال‌زایی بنگاه‌های کوچک و متوسط" پیشنهاد شد. در ادامه به‌منظور آزمون مدل و فرضیات پیشنهادی و پاسخ به سؤالات پژوهش، از رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری و روش تحلیل مسیر استفاده می‌شود. همچنین در رابطه با اولویت‌بندی میزان تأثیر تسهیلات اعطایی بانک‌های دولتی در اشتغال‌زایی بنگاه‌های کوچک و متوسط

^۱ Applied research

^۲ Survey research

^۳ SPLS

استان همدان طی دوره (۱۴۰۰-۱۳۹۵) از نظرات حداقل ۱۰ خبره (در این پژوهش ۱۵ خبره) با استفاده از پرسشنامه مقایسات زوجی و به‌کارگیری گام‌های رویکرد فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی فازی^۱ بهره گرفته می‌شود. نهایتاً پیشنهادات علمی و کاربردی مرتبط با خروجی آزمون فرضیات پژوهش ارائه شده؛ مسائل و نارسایی‌های موجود در تأمین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط شهر همدان بررسی و راه‌کارها و پیشنهاداتی اصلاحی و توسعه‌ای برای تأمین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط از طریق نظام بانکی ارائه خواهد شد.

ابزار جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه می‌باشد؛ به‌طوری که از دو پرسشنامه (رویکرد تحلیل عاملی و رویکرد فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی فازی) بهره گرفته می‌شود. به‌منظور بررسی روایی پرسشنامه اول از نظرات خبرگان و مدیران بانک‌های دولتی (ملی، سپه، ملت، رفاه، کشاورزی، توسعه و تعاون) و دستگاه‌های اجرایی مرتبط با موضوع پژوهش (اتاق بازرگانی، صندوق کارآفرینی امید، معاونت اقتصادی استانداری، سازمان جهاد کشاورزی، تعاون و کار و امور اجتماعی، خانه صنعت و معدن، شرکت شهرک‌های صنعتی، کمیته امداد، اداره بهزیستی) در شهر همدان بهره گرفته می‌شود. همچنین به‌منظور بررسی مقایسات زوجی در رویکرد فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی فازی، از روش محاسبه نرخ ناسازگاری با استفاده از داده‌های مستخرج از نظرات خبرگان استفاده شده است. بدین ترتیب داده‌های به دست آمده از ماتریس مقایسات زوجی (پرسشنامه‌های روش فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی فازی)، با استفاده از میانگین هندسی ادغام شده تا ماتریس تلفیقی حاصل شود و سپس شاخص‌ها با استفاده از آن اولویت‌بندی شوند. روش فرآیند تجزیه و تحلیل سلسله‌مراتبی فازی ترکیبی از روش فرآیند تجزیه و تحلیل سلسله‌مراتبی و منطق فازی است (Saaty, 2016). در این روش زمانی که تصمیم گیرنده تصمیمی را می‌گیرد، ارزش مقایسات زوجی بصورت عدم اطمینان فازی بیان می‌شود (Saaty, 2008)؛ بنابراین روش فرآیند تجزیه و تحلیل سلسله‌مراتبی فازی نظرات خبرگان را به اعداد فازی به‌منظور رسیدن به ارزیابی قابل قبول‌تری تبدیل می‌کند و شامل مراحل اجرای زیر است (Ajalli et al., 2017).

مرحله اول: جهت به دست آوردن ماتریس تلفیقی از روش میانگین هندسی استفاده می‌شود که با توجه به یکسان بودن نظرات اعضای گروه، رابطه به‌صورت زیر خواهد بود:

^۱ FAHP

$$\tilde{a}_{ij} = \left(\prod_{k=1}^n \tilde{a}_{ij}^{(k)} \right)^{1/n} \quad i = 1, 2, \dots, n \quad j = 1, 2, \dots, n$$

مرحله دوم: پس از تلفیق نظر خبرگان ماتریس تصمیم فازی اولیه شکل می‌گیرد. به‌منظور تعیین ارزش فازی مقایسه زوجی هر معیار در مقابل معیارهای دیگر میانگین هندسی هر سطر را در ماتریس تلفیقی محاسبه می‌کنیم.

مرحله سوم: برای محاسبه اوزان فازی معیارها ابتدا مجموع ارزش فازی مقایسات زوجی معیارها را محاسبه می‌کنیم. سپس ارزش فازی مقایسه زوجی برای هر معیار را در مجموع ارزش فازی مقایسات ضرب می‌کنیم.

مرحله چهارم: به‌منظور اولویت‌بندی معیارها بترتیب نزولی معیارها را مرتب می‌کنیم.

در اولویت‌بندی عناصر و فعالیت‌ها، برای اطمینان از نتایج به دست آمده و تصدیق روند عملیات، درجه خاصی از سازگاری لازم است. در شیوه فرایند تجزیه و تحلیل سلسله مراتبی و منطق فازی، ناسازگاری کلی قضاوت‌ها بوسیله نرخ سازگاری^۱ (C.R) محاسبه می‌شود. نرخ سازگاری، میزان سازگاری مقایسات را مشخص می‌کند و این سازگاری نشان می‌دهد که تا چه اندازه می‌توان به اولویت‌بندی حاصله بر اساس معیارهای تعریف شده و جداول ترکیبی اعتماد کرد. برای محاسبه نرخ سازگاری، تحقیقات متعددی صورت گرفته که بهترین روش آن استفاده از روش بردار ویژه است. براساس این روش نرخ سازگاری به‌صورت زیر اندازه‌گیری می‌شود:

✓ ابتدا بردار مجموع وزنی^۲ محاسبه می‌شود. برای محاسبه این بردار، ماتریس مقایسه اولیه در بردار اولویت نهائی ضرب شده و مجموع هر سطر محاسبه می‌گردد.

✓ با تقسیم هر یک از مولفه‌های بردار فوق بر بردار اولویت معیارها، بردار سازگاری^۳ (C.V) محاسبه و سپس شاخص سازگاری^۴ (C.I)، با توجه به رابطه زیر محاسبه می‌شود:

$$C.I = \frac{\lambda_{max} - n}{n}$$

^۱ Consistency Rate

^۲ Weighted Sum Vector (WSV)

^۳ Consistency Vector

^۴ Consistency Index

که در رابطه فوق n تعداد گزینه‌ها و λ_{max} عبارتست از میانگین بردار سازگاری در نهایت نرخ سازگاری (C.R) از رابطه زیر به دست می‌آید:

$$C.R = \frac{C.I}{R.I}$$

که در آن $R.I^1$ ، نشان دهنده مقدار شاخص تصادفی است. این شاخص با توجه به تعداد گزینه‌ها و از طریق جدول شاخص سازگاری تصادفی استخراج می‌گردد.

✓ چنانچه شاخص سازگاری محاسبه شده از مقدار $0/1$ کمتر باشد می‌توان گفت مقایسات زوجی گروه از سازگاری خوبی برخوردار بوده و مدل معنی دار است.

۴) یافته‌ها

در این پژوهش، از شاخص‌های آمار توصیفی برای بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخ‌دهندگان استفاده شده است. در ادامه اطلاعات پاسخ‌دهندگان در رابطه با پرسشنامه اول (رویکرد تحلیل عاملی و آزمون فرضیات و پاسخ به سؤالات) آورده شده است.

جنسیت: در جدول ۱، اطلاعات مربوط به جنسیت آورده شده است.

تعداد ۶۱ نفر یعنی حدود ۸۹/۷۱ درصد مرد و ۷ نفر یعنی حدود ۱۰/۲۹ درصد پاسخ‌دهندگان زن هستند.

جدول (۱): توزیع فراوانی پاسخ‌دهندگان براساس جنسیت

جنسیت	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
مرد	۶۱	۸۹/۷۱	۸۹/۷۱
زن	۷	۱۰/۲۹	۱۰۰
کل	۶۸	۱۰۰	۱۰۰

سن: در جدول ۲، اطلاعات مربوط به سن نمونه آورده شده است.

¹ Rate Index

برای سهولت ارائه سن پاسخ‌دهندگان، در چهار گروه سنی به‌صورت زیر دسته‌بندی شده‌اند. سن ۲ نفر یعنی معادل ۲۰/۹ درصد افراد کمتر از ۳۵ سال هستند. ۴۶ نفر یعنی ۲۷/۷ درصد افراد بین ۳۵ تا ۴۵ سال سن دارند. ۱۵ نفر یعنی ۲۲/۳ درصد افراد ۴۵ تا ۵۰ سال سن و نهایتاً ۵ نفر معادل ۲۹/۱ درصد ۵۰ سال به بالا سن دارند.

جدول (۲): فراوانی پاسخ‌دهندگان براساس سن

سن	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
کمتر از ۳۵ سال	۲	۲/۹۴	۲/۹۴
۳۵ تا ۴۵ سال	۴۶	۶۷/۶۵	۷۰/۵۹
۴۵ تا ۵۰ سال	۱۵	۲۲/۰۶	۹۲/۶۵
۵۰ سال به بالا	۵	۷/۳۵	۱۰۰
کل	۶۸	۱۰۰	

تحصیلات: در جدول ۳، اطلاعات مربوط به تحصیلات آورده شده است.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، تعداد ۵۲ نفر از پاسخ‌دهندگان یعنی ۷۶/۴۷ درصد افراد، مدرک تحصیلی کارشناسی و پایین‌تر دارند. تعداد ۱۶ نفر از پاسخ‌دهندگان معادل ۲۳/۵۳ درصد افراد، دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد هستند و تعداد ۰ نفر معادل ۰/۰ درصد دارای مدرک دکترای تخصصی می‌باشند.

جدول (۳): فراوانی پاسخ‌دهندگان براساس تحصیلات

تحصیلات	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
کارشناسی و پایین‌تر	۵۲	۷۶/۴۷	۷۶/۴۷
کارشناسی ارشد	۱۶	۲۳/۵۳	۱۰۰/۰
دکترای تخصصی	—	۰/۰	۱۰۰/۰
کل	۶۸	۱۰۰	۱۰۰

سابقه شغلی: در جدول ۴، اطلاعات مربوط به سابقه شغلی نمونه آورده شده است.

برای سهولت ارائه سابقه شغلی پاسخ‌دهندگان، آن‌ها در چهار گروه به‌صورت زیر دسته‌بندی شده‌اند. ۱۱ نفر یعنی معادل ۱۶/۱۸ درصد افراد دارای سابقه کمتر از ۱۰ سال هستند. ۱۳ نفر یعنی ۱۹/۱۲ درصد افراد بین ۱۰ تا ۱۵ سال سابقه دارند. ۱۹ نفر یعنی ۲۷/۹۴ درصد افراد ۱۵ تا ۲۰ سال سابقه و نهایتاً ۲۵ نفر معادل ۳۶/۷۶ درصد سابقه ۲۰ سال و بیشتر دارند.

جدول (۴): فراوانی پاسخ‌دهندگان براساس سابقه شغلی

سابقه شغلی	فراوانی	درصد	فراوانی تراکمی
------------	---------	------	----------------

۱۶/۱۸	۱۶/۱۸	۱۱	کمتر از ۱۰ سال
۳۵/۳	۱۹/۱۲	۱۳	بین ۱۰ تا ۱۵ سال
۶۳/۲۴	۲۷/۹۴	۱۹	بین ۱۵ تا ۲۰ سال
۱۰۰	۳۶/۷۶	۲۵	۲۰ سال و بیشتر
۱۰۰	۱۰۰	۶۸	کل

تحلیل عاملی تأییدی و سنجش بارهای عاملی

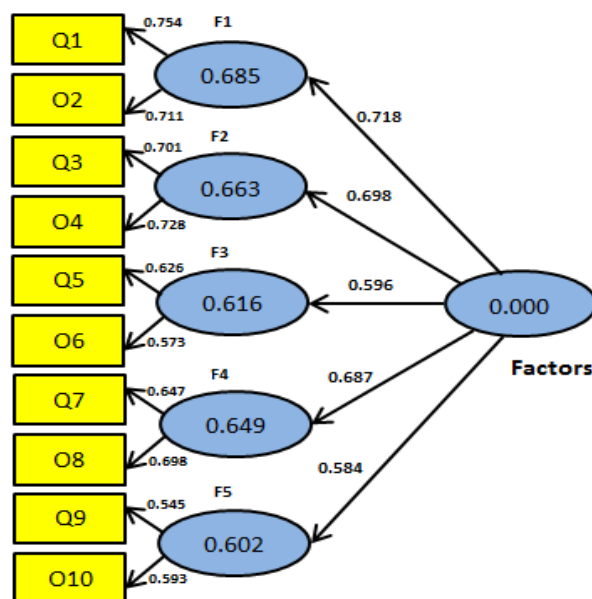
قبل از وارد شدن به مرحله آزمون فرضیات و مدل مفهومی پژوهش، لازم است تا از صحت مدل‌های اندازه‌گیری متغیر مستقل و متغیر وابسته اطمینان حاصل شود. لذا در ادامه مدل‌های اندازه‌گیری این دو متغیر به ترتیب آورده می‌شود که این کار توسط تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول صورت گرفته است. تحلیل عاملی تأییدی از قدیمی‌ترین روش‌های آماری است که برای بررسی ارتباط بین متغیرهای مکنون (عامل‌های به دست آمده) و متغیرهای مشاهده شده (سؤالات) استفاده شده و بیانگر مدل اندازه‌گیری است (Davari & Rezazadeh, 2013).

در جدول ۵، سازه‌ها به همراه تعداد سؤالات هر سازه آورده شده است:

جدول (۵): ضرایب بارهای عاملی

سؤالات	سازه
Q1	تسهیلات مرتبط با سرمایه در گردش در بخش صنعت و معدن (F1)
Q2	
Q3	تسهیلات مرتبط با سرمایه ثابت در بخش صنعت و معدن (F2)
Q4	
Q5	تسهیلات مرتبط با نوسازی و بازسازی در بخش صنعت و معدن (F3)
Q6	
Q7	تسهیلات مرتبط با سرمایه در گردش در بخش کشاورزی (F4)
Q8	
Q9	تسهیلات مرتبط با سرمایه ثابت در بخش کشاورزی (F5)
Q10	

شکل ۲، مدل اجرایی در نرم‌افزار S-PLS، شامل تحلیل عاملی تأییدی با ضرایب بارهای عاملی را نشان می‌دهد:



شکل ۲: ضرایب بارهای عاملی

مقدار ملاک برای مناسب بودن ضرایب بارهای عاملی ۰/۴ می‌باشد (Davari & Rezazadeh, 2013). همان‌گونه که در شکل ۲ مشخص است، تمامی ۱۰ عدد ضرایب بارهای عاملی سؤالات از ۰/۴ بیشتر است که نشان از مناسب بودن این معیار دارد.

آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی و روایی همگرا

مقادیر شاخص‌های پایایی ترکیبی، آلفای کرونباخ و میانگین واریانس استخراجی^۱ مربوط به پنج سازه پژوهش در جدول ۶ آمده است:

^۱ AVE

جدول (۶): مقادیر معیارهای پایایی ترکیبی، آلفای کرونباخ و میانگین واریانس استخراجی

آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی	میانگین واریانس استخراجی	سازه‌ها
۰/۸۲۵۰۴۸	۰/۸۴۴۶۲۳	۰/۷۹۵۹۳۴	تسهیلات مرتبط با سرمایه در گردش در بخش صنعت و معدن (F1)
۰/۸۰۴۶۲۷	۰/۸۲۹۲۰۵	۰/۷۸۲۹۷۴	تسهیلات مرتبط با سرمایه ثابت در بخش صنعت و معدن (F2)
۰/۷۳۷۶۸۲	۰/۷۵۲۰۹۲	۰/۷۰۳۷۲۶	تسهیلات مرتبط با نو سازی و باز سازی در بخش صنعت و معدن (F3)
۰/۷۹۵۸۳۷	۰/۸۱۲۹۷۳	۰/۷۶۵۰۲۸	تسهیلات مرتبط با سرمایه در گردش در بخش کشاورزی (F4)
۰/۷۴۲۹۸۷	۰/۷۶۸۳۶۵	۰/۷۳۸۹۳۷	تسهیلات مرتبط با سرمایه ثابت در بخش کشاورزی (F5)

همان‌طور که در جدول ۶ مشخص شده است، مقدار مربوط به معیارهای پایایی ترکیبی و آلفای کرونباخ برای یازده سازه بالاتر از ۰/۷ است که حاکی از پایایی مناسب مدل دارد. فورنل و لارکر (۱۹۸۱) مقدار مناسب برای AVE را ۰/۵ به بالا معرفی کرده‌اند (Davari & Rezazadeh, 2013). همان‌گونه که مشخص است مقدار AVE تمامی سازه‌ها بالاتر از ۰/۵ است که نشان‌دهنده روایی همگرایی مناسب مدل می‌باشد.

بررسی روایی واگرا

این معیار دو موضوع را پوشش می‌دهد: الف) مقایسه میزان همبستگی بین شاخص‌های یک سازه با آن سازه در مقابل همبستگی آن شاخص‌ها با سازه‌های دیگر ب) مقایسه میزان همبستگی یک سازه با شاخص‌هایش در مقابل همبستگی آن سازه با سایر سازه‌ها (Davari & Rezazadeh, 2013). خروجی نرم‌افزار اس پی ال اس برای بررسی روایی واگرا از طریق موضوع ب (روش فورنل و لارکر)، در جدول ۷ نشان داده شده است:

جدول (۷): خروجی نرم‌افزار اس پی ال اس برای بررسی روایی واگرا از طریق موضوع ب

تسهیلات مرتبط با سرمایه ثابت در بخش کشاورزی	تسهیلات مرتبط با سرمایه ثابت در بخش صنعت و معدن	تسهیلات مرتبط با نوسازی و بازسازی در بخش صنعت و معدن	تسهیلات مرتبط با سرمایه گردش در بخش کشاورزی	تسهیلات مرتبط با سرمایه ثابت در بخش کشاورزی	تسهیلات مرتبط با سرمایه ثابت در بخش کشاورزی
تسهیلات مرتبط با سرمایه در گردش در بخش صنعت و معدن	۱/۰۰۰۰۰۰				
تسهیلات مرتبط با سرمایه ثابت در بخش صنعت و معدن	۰/۶۲۳۹۴۷	۱/۰۰۰۰۰۰			
تسهیلات مرتبط با نوسازی و بازسازی در بخش صنعت و معدن	۰/۶۶۵۰۹۲	۰/۷۰۴۷۲۶	۱/۰۰۰۰۰۰		
تسهیلات مرتبط با سرمایه در گردش در بخش کشاورزی	۰/۷۱۰۲۹۵	۰/۷۶۰۳۱۸	۰/۷۴۰۲۸۷	۱/۰۰۰۰۰۰	
تسهیلات مرتبط با سرمایه ثابت در بخش کشاورزی	۰/۶۵۰۲۳۴	۰/۶۳۹۵۴۸	۰/۶۹۶۳۸۷	۰/۷۴۹۶۱۷	۱/۰۰۰۰۰۰

فورنل و لارکر (۱۹۸۱) برای بررسی روایی واگرا، ماتریسی را پیشنهاد می‌دهند که این ماتریس مشابه با ماتریس نشان داده شده در جدول ۷ است، با این تفاوت که قطر اصلی این ماتریس حاوی جذر مقادیر AVE پنج سازه با توجه به جدول ۶ می‌باشد. در جدول ۷، مقادیر قطر اصلی با عدد ۱ نشان داده شده‌اند، بنابراین ماتریس فورنل و لارکر برای بررسی روایی واگرای مدل به صورت جدول ۸ خواهد بود:

جدول (۸): گزارش نهایی روایی و اگر با موضوع ب

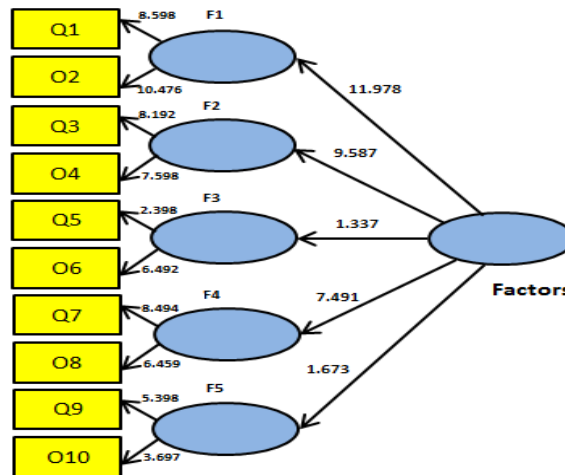
تسهیلات مرتبط با سرمایه ثابت در بخش کشاورزی	تسهیلات مرتبط با سرمایه ثابت در بخش صنعت و معدن	تسهیلات مرتبط با نو سازی و باز سازی در بخش صنعت و معدن	تسهیلات مرتبط با سرمایه در گردش در بخش کشاورزی	تسهیلات مرتبط با سرمایه در گردش در بخش صنعت و معدن	تسهیلات مرتبط با سرمایه ثابت در بخش کشاورزی
	۰/۸۹۲۱۵۱				
تسهیلات مرتبط با سرمایه ثابت در بخش کشاورزی	۰/۶۲۳۹۴۷	۰/۸۸۴۸۵۸			
تسهیلات مرتبط با نو سازی و باز سازی در بخش صنعت و معدن	۰/۶۶۵۰۹۲	۰/۷۰۴۷۲۶	۰/۸۳۸۸۸۴		
تسهیلات مرتبط با سرمایه در گردش در بخش کشاورزی	۰/۷۱۰۲۹۵	۰/۷۶۰۳۱۸	۰/۷۴۰۲۸۷	۰/۸۷۴۶۵۹	
تسهیلات مرتبط با سرمایه ثابت در بخش کشاورزی	۰/۶۵۰۲۳۴	۰/۶۳۹۵۴۸	۰/۶۹۶۳۸۷	۰/۷۴۹۶۱۷	۰/۸۵۹۶۱۵

برازش مدل ساختاری

بعد از برازش مدل‌های اندازه‌گیری، نوبت به برازش مدل ساختاری پژوهش می‌رسد. بخش مدل ساختاری بر خلاف مدل‌های اندازه‌گیری، به سؤالات (متغیرهای آشکار) کاری ندارد و تنها متغیرهای پنهان همراه با روابط میان آن‌ها بررسی می‌گردد. برای بررسی برازش مدل ساختاری اولین و اساسی‌ترین معیار، ضرایب معناداری Z یا همان مقادیر t -values است (Davari & Rezazadeh, 2013).

ضرایب معناداری Z (مقادیر t -values)

شکل ۳، مدل ترسیم شده همراه با ضرایب معناداری Z را نشان می‌دهد:



شکل ۳: مدل ترسیم شده همراه با ضرایب معناداری z

همان‌گونه که از شکل ۳ مشخص است، ضریب مربوط به سه مسیر (سه سازه اول، دوم و چهارم) از ۱/۹۶ بیشتر است که معنادار بودن این مسیرها و مناسب بودن مدل ساختاری را نشان می‌دهد. لذا فرضیه‌های اول، دوم و چهارم تأیید می‌شوند. ضریب مربوط به دو مسیر (دو سازه سوم و پنجم) از ۱/۹۶ کمتر است لذا فرضیه‌های سوم و پنجم را نمی‌توان تأیید کرد و این فرضیه‌ها رد می‌شوند.

معیار R²

دومین معیار برای بررسی برازش مدل ساختاری در یک پژوهش، ضرایب R² مربوط به متغیرهای پنهان درون‌زای (وابسته) مدل است. R² معیاری است که نشان از تأثیر یک متغیر برون‌زا بر یک متغیر درون‌زا دارد و سه مقدار ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ به‌عنوان مقدار ملاک برای مقادیر ضعیف، متوسط و قوی R² در نظر گرفته می‌شود (Davari & Rezazadeh, 2013). با توجه به شکل ۱، مقدار R² برای سازه درون‌زای "تسهیلات مرتبط با سرمایه در گردش در بخش صنعت و معدن" (۰/۶۸۵)، "تسهیلات مرتبط با سرمایه ثابت در بخش صنعت و معدن" (۰/۶۶۳)، "تسهیلات مرتبط با نوسازی و بازسازی در بخش صنعت و معدن" (۰/۶۱۶)، "تسهیلات مرتبط با سرمایه در گردش در بخش کشاورزی" (۰/۶۴۹) و "تسهیلات مرتبط با سرمایه ثابت در بخش کشاورزی" (۰/۶۰۲) محاسبه شده است که با توجه به سه مقدار ملاک، مناسب (قوی) بودن برازش مدل ساختاری را تأیید می‌سازد.

معیار Q2

این معیار قدرت پیش‌بینی مدل را مشخص می‌سازد و در صورتی که در مورد یک سازه درون‌زا سه مقدار ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ را کسب نماید، به ترتیب نشان از قدرت پیش‌بینی ضعیف، متوسط و قوی سازه یا سازه‌های برون‌زای مربوط به آن را دارد. شکل ۴، خروجی نرم‌افزار را نشان می‌دهد:

سازه‌ها	1-SSE/SSO
تسهیلات مرتبط با سرمایه در گردش در بخش صنعت و معدن	۰/۳۲۹۵۶۷
تسهیلات مرتبط با سرمایه ثابت در بخش صنعت و معدن	۰/۳۱۹۳۶۵
تسهیلات مرتبط با نوسازی و بازسازی در بخش صنعت و معدن	۰/۱۴۲۹۷۳
تسهیلات مرتبط با سرمایه در گردش در بخش کشاورزی	۰/۳۰۲۸۵۷
تسهیلات مرتبط با سرمایه ثابت در بخش کشاورزی	۰/۱۶۴۹۲۳

شکل ۴: خروجی نرم‌افزار برای معیار Q2

با توجه به مقادیر حاصله برای Q² سازه‌های درون‌زا، مشخص می‌شود که قدرت پیش‌بینی قوی مدل در خصوص تمامی سازه‌ها وجود دارد و برازش مدل ساختاری پژوهش، مجدداً تأیید می‌شود.

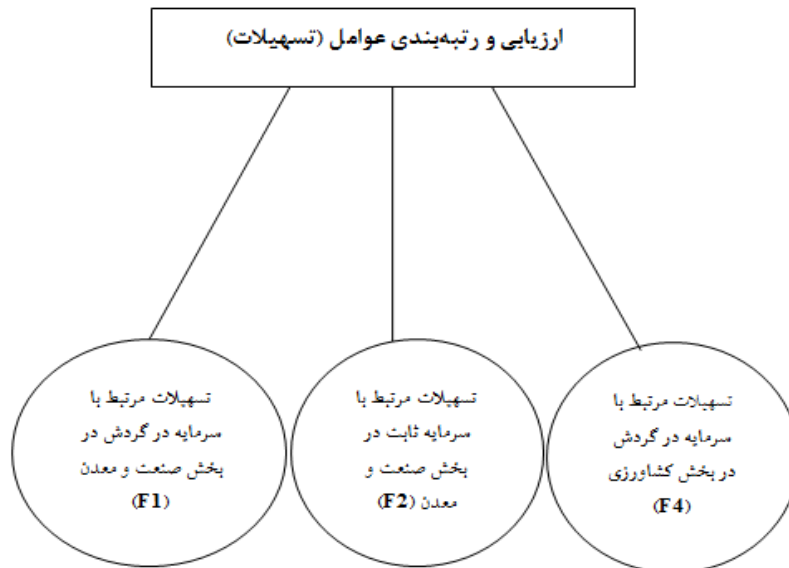
برآزش مدل کلی با معیار GOF

در نهایت، بعد از محاسبه همه معیارهای برازش مدل‌های اندازه‌گیری و مدل ساختاری پژوهش، باید برازش کلی مدل محاسبه شود. این معیار که با GOF نشان داده می‌شود، عددی بین صفر و یک است و هرچقدر به یک نزدیک‌تر باشد، حکایت از برازش کلی بالاتر مدل دارد. سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ که به‌عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF معرفی شده است (Davari & Rezazadeh, 2013)، از جذر حاصل ضرب مقادیر میانگین ضریب تعدیل و میانگین مقادیر افزونگی^۱ برای سازه‌های درون‌زای مدل به دست می‌آید. همان‌گونه که در خروجی نرم‌افزار محاسبه شد، مقدار GOF برابر با ۰/۳۰ حاصل شد که مقدار مناسبی است و نشان از برازش قوی مدل ساختاری دارد، در نتیجه برازش کلی مدل نیز تأیید می‌شود.

¹ Redundancy

اجرای فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی فازی و رتبه‌بندی عوامل

در این بخش از پژوهش، عوامل (تسهیلات) تأثیرگذار در اشتغال‌زایی بنگاه‌های کوچک و متوسط (تسهیلات نوع اول، دوم و چهارم) با استفاده از نظرات خبرگان و به‌صورت زوجی مورد ارزیابی نهایی قرار می‌گیرند. بدین ترتیب، به‌منظور اجرای رویکرد فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی فازی، ابتدا مدل تحلیل سلسله‌مراتبی عوامل به‌منظور ارزیابی مطابق شکل ۵ ترسیم شد:



شکل ۵: مدل تحلیل سلسله‌مراتبی تسهیلات

در ادامه، پرسشنامه مقایسات زوجی عوامل طراحی و در میان ۱۵ نفر از خبرگان و مدیران سازمان‌های مرتبط قرار گرفت تا با استفاده از متغیرهای زبانی تکمیل کنند. سپس با به‌کارگیری حاصل ضرب هندسی، ماتریس تجمیعی نظرات خبرگان استخراج و این ماتریس به‌عنوان ماتریس اولیه تکنیک در نرم‌افزار اکسپرت چویس^۱ وارد شد. قابل ذکر آنکه، نسبت سازگاری ماتریس تجمیعی مقایسات زوجی فازی با استفاده از نرم‌افزار محاسبه و مقادیر ۰/۰۵ و ۰/۰۷ حاصل گردید. با توجه به مقادیر حاصله (کمتر از ۰/۱۰)، سازگاری ماتریس مقایسات زوجی مورد تأیید قرار گرفت. در ادامه ماتریس ستون ترکیبی فازی و

^۱ Expert Choice

ماتریس ستون قطعی ترکیبی بر مبنای درجات ارزش ایجاد گردید. نهایتاً، وزن عوامل و رتبه‌بندی آن‌ها از نظر اهمیت به صورت شکل ۶ استخراج شد:

رتبه	وزن عوامل	توصیف عامل	عوامل
۱	۰/۴۳	تسهیلات مرتبط با سرمایه در گردش در بخش صنعت و معدن	F1
۲	۰/۳۶	تسهیلات مرتبط با سرمایه ثابت در بخش صنعت و معدن	F2
۳	۰/۲۱	تسهیلات مرتبط با سرمایه در گردش در بخش کشاورزی	F4

شکل ۶: وزن عوامل (تسهیلات) و اولویت‌بندی آن‌ها از نظر اهمیت

همان‌طور که در شکل فوق مشاهده می‌شود، عامل اول (تسهیلات مرتبط با سرمایه در گردش در بخش صنعت و معدن) با بیشترین وزن (۰/۴۳) در رتبه اول، عامل دوم (تسهیلات مرتبط با سرمایه ثابت در بخش صنعت و معدن) با وزن (۰/۳۶) در رتبه دوم قرار گرفته است. همچنین عامل چهارم (تسهیلات مرتبط با سرمایه در گردش در بخش کشاورزی) با وزن (۰/۲۱) در رتبه آخر از نظر اهمیت قرار گرفته است.

۵) نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در سال‌های اخیر، بسیاری از کشورها به‌ویژه کشورهای توسعه‌یافته به اهمیت حیاتی بنگاه‌های کوچک و متوسط در رشد اقتصادی پی برده‌اند و برای تقویت و توسعه آن‌ها تلاش‌های جدی انجام داده‌اند. این بنگاه‌ها به‌عنوان موتور محرک اقتصاد، نقش مهمی در ایجاد اشتغال، نوآوری و توسعه اقتصادی ایفا می‌کنند. هرچند این شرکت‌ها بخش مهمی از اقتصاد هستند که به رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال کمک می‌کنند. با این حال، آن‌ها اغلب در دسترسی به انواع مختلف تأمین مالی مورد نیاز برای رشد خود با مشکلات قابل توجهی مواجه هستند و یک شکاف تحقیقاتی در ارتباط بین تأمین مالی این بنگاه‌ها و سیاست‌های عمومی در کشورهای در حال توسعه وجود دارد (Wonglimpiyarat, 2015). ایران نیز با آگاهی از این اهمیت، در دهه گذشته بر توسعه این بنگاه‌ها تمرکز کرده است. هرچند علیرغم فعالیت‌های انجام شده، بررسی‌ها حاکی از آن است که در تمامی بخش‌ها به‌ویژه کشاورزی، توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط با مسائل و موانع متعددی مواجه شده و این بنگاه‌ها در دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده خود به شکل بسیار ضعیفی عمل کرده‌اند (Khoshnodifar et al., 2012). طرح‌های خوداشتغالی به‌عنوان یکی از راهکارهای دولت برای مقابله با بیکاری و توسعه بخش‌های کشاورزی،

صنعت و معدن، نقش مهمی ایفا می‌کنند. پرداخت تسهیلات ارزان قیمت به متقاضیان این طرح‌ها، گامی مؤثر در جهت رفع مشکل کمبود سرمایه در این بخش‌ها بوده است. این طرح‌ها منجر به ایجاد فرصت‌های شغلی، کاهش نرخ بیکاری، توسعه بخش‌های مختلف اقتصاد، افزایش تولید ملی، کاهش مهاجرت به شهرها و افزایش می‌شوند. با در نظر گرفتن اهمیت موضوع، در این پژوهش، به ارزیابی و اولویت‌بندی میزان تأثیر تسهیلات اعطایی بانک‌های دولتی در اشتغال‌زایی بنگاه‌های کوچک و متوسط استان همدان طی دوره (۱۳۹۵-۱۳۹۸) با رویکرد تحلیل مسیر و فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی پرداخته شد. نتایج نشان داد که "تسهیلات مرتبط با سرمایه در گردش بر اشتغال‌زایی بنگاه‌های کوچک و متوسط در بخش صنعت و معدن استان همدان"، "تسهیلات مرتبط با سرمایه ثابت بر اشتغال‌زایی بنگاه‌های کوچک و متوسط در بخش صنعت و معدن استان همدان"، و "تسهیلات مرتبط با سرمایه در گردش تأثیر مثبت بر اشتغال‌زایی بنگاه‌های کوچک و متوسط در بخش کشاورزی استان همدان" دارند. همچنین نتیجه نهایی رویکرد فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی فازی نشان داد که عامل اول (تسهیلات مرتبط با سرمایه در گردش در بخش صنعت و معدن) در رتبه اول، عامل دوم (تسهیلات مرتبط با سرمایه ثابت در بخش صنعت و معدن) در رتبه دوم و عامل چهارم (تسهیلات مرتبط با سرمایه در گردش در بخش کشاورزی) در رتبه آخر از نظر اهمیت قرار گرفته‌اند. یافته‌های این پژوهش با پژوهش‌های (Shahtahmasbi et al., 2011)، (Karimi Tekanlo, 2013)، (Hosseinzadeh & Nosrati, 2013)، (Ghorbani & Hosni, 2016)، (Blossom et al., 2014) و (Maya & Anton, 2012) مطابقت دارد. با عنایت به نتایج پژوهش، پیشنهاد‌های کاربردی زیر به مدیریت و سرپرستی شعب بانک‌های دولتی استان همدان ارائه می‌شود:

برای موفقیت طرح‌های بنگاه‌های زودبازده، ضروری است که طرح‌های توجیهی متقاضیان به‌دقت و از جنبه‌های فنی، اقتصادی و مالی موردبررسی قرار بگیرند. این بررسی باید توسط دستگاه‌های اجرایی مربوطه، بانک عامل و کارگروه‌های ویژه استان انجام شود تا اطمینان حاصل شود که اهداف اعلام شده در طرح‌ها (مانند ایجاد اشتغال، افزایش تولید و کسب سود) واقع‌بینانه و قابل‌دستیابی هستند. همچنین، برای بقاء و رشد این بنگاه‌ها در بازار رقابتی امروز، ارتقای سطح فناوری و بهره‌گیری از نوآوری‌های جهانی امری اجتناب‌ناپذیر است. همچنین با استفاده از رویکردهای نوین تصمیم‌گیری نظیر سوارا^۱ عوامل (تسهیلات) را مورد ارزیابی مجدد قرار داده و با نتیجه این پژوهش مورد مقایسه قرار داد. با استفاده از

^۱ SWARA

رویکرد مدل‌سازی ساختاری تفسیری فازی^۱، ارتباط میان عوامل را بررسی و مدل تفسیری ارتباطی را ارائه داد. با بهره‌گیری از تکنیک دیمتل فازی، تأثیرگذاری و تأثیرپذیری عوامل موردنظر را بررسی نمود. از محدودیت‌های پژوهش را در زمینه تعمیم یافته‌ها و تفسیرها می‌توان مطرح نمود. نمونه موردبررسی در این پژوهش، نمونه‌ای از کارکنان، مدیران و خبرنگاران سازمان‌های درگیر در موضوع پژوهش در استان همدان است که در تعمیم یافته‌ها با سایر جمعیت‌ها (استان‌ها) باید جانب احتیاط را رعایت نمود.

References

- Abe, M., Troilo, M., & Batsaikhan, O. (2015). Financing small and medium enterprises in Asia and the Pacific. *Journal of Entrepreneurship and Public Policy*, 4(1), 2-32.
- Activities of Vahid & Neda Kharghani (2018). Examining the impact of microloans on employment (a case study of Iran), *Monthly Work and Society*, 141, 22-37.
- Ajalli, M., Azimi, H., Mohammadi Balani, A., & Rezaei, M. (2017). Application of Fuzzy AHP and COPRAS to Solve the Supplier Selection Problems, *International Journal of Supply Chain Management*. 6(3), 112-119.
- Alsadat Aghili, F., Tayebi, K., Zamani, Z., & Ebrahimi, N. (2013). Effect of entrepreneurship and small and medium enterprises on employment: Evidences from developing countries. *Journal of Entrepreneurship Development*, 5 (2), 145-164. (In Persian).
- Bakhtiari, S. (2010). Microfinance is a solution to increase production in the agricultural sector and reduce rural poverty, *Knowledge and Development Journal*, 17(30), 1-10. (In Persian).
- Bartolacci, F., Caputo, A., & Soverchia, M. (2020). Sustainability and financial performance of small and medium sized enterprises: A bibliometric and systematic literature review. *Business Strategy and the Environment*, 29(3), 1297-1309.
- Blossom, C., Aslam, N., & Said, A. (2014). Challenges and barriers encountered by the SMEs owners in Muscat. *Journal of Small Business and Entrepreneurship Research*, 2(3), 1-13.
- Circular of the Central Bank emphasizing the orders of the Supreme Leader regarding the financing instructions for small and medium-sized enterprises (2015). Sepah Bank's General Administration of Facilities, No. 3/95/93, dated 3/24/2015.
- Circular of the Central Bank to inform banks and government institutions to remove production obstacles (2015). *central bank system*.

¹ FISM

Damak, M. (2022). Islamic Finance 2021-2022 TOWARD SUSTAINABLE GROWTH, *Islamic Finance Outlook* 2022 Edition 3.

Davari, A. & Rezazadeh, A. (2013). Structural equation modeling with PLS software, *second edition, Jihad University Press*. (in Persian).

Dehghan Dehnavi, M. (2015). The position of small and medium enterprises in development, employment and export, *Economy and Development Monthly*, 12-16. (In Persian).

Etale, L. & Light, O. (2021), "An evaluation of the impact of small and medium enterprises) SMEs) development on economic growth in Nigeria", *International Journal of Small Business, and Entrepreneurship Research*, 9(1), 54-70.

Faalieat, V. & Kharkhani, N. (2011). (Investigating the impact of microloans on employment (case study of Iran), *Work and Society*, No. 141.

Fathi-Aqababa, M., Azizi, K., & Mahmoudzadeh, M. (2019). The effects of banking facilities in different economic sectors on the growth of added value in industry, services, agriculture and construction and housing, *Economic Modeling Scientific Quarterly*, 14(50), 77-102. (In Persian).

Ghasemipour Masuleh, T. (2012). Investigating the effect of banking communication on the amount of investment of small and medium enterprises during 75-86, *Master's thesis of Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Faculty of Economics and Accounting*. (In Persian).

Ghorbani, M. & Hosni, L. (2016). Examining the relationship between bank facilities and self-employment plans using multilevel modeling (a case study of Mazandaran province), *Agricultural Economics Research*, 9(4), 191-208. (In Persian).

Hosseinzadeh, H. & Nosrati, R. (2013). Investigating the impact of the development plan of small and early-yielding enterprises on creating employment in selected provinces of the country, *Financial and Economic Policy Quarterly*, 1(7), 108-91. (In Persian).

Inegbedion, H., Thikan, P., & David, J. (2024). Small and medium enterprise (SME) competitiveness and employment creation: the mediating role of SME growth. *Humanit Soc Sci Commun* 11, 11.

Karimi Tekanlo, Z. (2013). Investigating the effect of facilities granted to small and medium enterprises in Zubazdeh on entrepreneurship and job creation in the cooperative sector during the period (1384-1389), *Applied Economic Research Quarterly*, 5(2), 107-124. (In Persian).

Khoshnodifar, Z., Pirmoradi, A., & Mirzaei, A. (2012). Factors affecting the success of small and medium economic early return and entrepreneurship enterprises in the agricultural sector of Farmahin Township. Proceedings of the *Third Congress of Agricultural Extension and Education*, 12 and 13 March 2012, Mashhad, 1- 13. (In Persian).

Laura, J., Rotar Roberta, K., & Pamic, S. (2019). Contributions of small and medium enterprises to employment in the European Union countries, *ECONOMIC RESEARCH-EKONOMSKA ISTRAZIVANJA*, 32(1), 3302–3314.

Lotfi, H., & Ahmadzadeh Mashinchi, S. (2007). Investigating the impact of facilities granted by specialized banks to the agricultural sector on the added value of the agricultural sector. *Agricultural Economics Conference*, (6), 1-15.

Maya, I., & Anton, M. (2012). Barrier factors and potential solutions for Indonesian SMEs. *Procedia Economics and Finance*, 4, 3- 12. (In Persian).

Naderi, E., & Maryam, S. (2015). Research methods and how to evaluate them in the humanities (with an emphasis on the humanities), *Gisum comprehensive book network*. (In Persian).

Otache, I., & Usman, T. (2024). Entrepreneurial management, competitive advantage and SME performance: evidence from an emerging economy. *European Business Review*.

Rafe, F., Kazemi, S., Tahereh, A., & Heydari, B. (2011). "The impact of small and early-yielding enterprises on employment and production", *the second national conference on economic development strategies with a focus on regional planning*, Islamic Azad University of Sanandaj. (In Persian).

Rao, P., Kumar, S., Chavan, M., & Lim, W. (2023). A systematic literature review on SME financing: Trends and future directions. *Journal of Small Business Management*, 61(3), 1247-1277.

Rezaei, R., & Safa, L. (2015). Investigating the obstacles to the development of small and medium-sized economic enterprises and agricultural entrepreneurs in Zanjan province, *Journal of Economic Research and Agricultural Development of Iran*, 2-47(1), 67-79. (In Persian).

Rostamian, M., Salah, M., Ahmed, K., Massoud, S., & Sadeghi Amroabadi, B. (2023). Investigating the effects of small and medium enterprises credits on economic growth and employment (Dynamic Computable General Equilibrium Model - DCGE), *Economic Growth and Development Research*, 13 (51), 13-28. (In Persian).

Saaty, T. (2008). Decision making with the analytic hierarchy process, *Int. J. Serv. Sci.*, 1(1), 83–98.

Saaty, T. (2016). The Analytic Hierarchy and Analytic Network Processes for the Measurement of Intangible Criteria and for Decision-Making, *Multiple Criteria Decision Analysis*, Springer, 2016, pp. 363–419.

Sadiq, B. (2010). Microfinance is a solution for the production of the agricultural sector and reducing rural poverty, *Knowledge and Development (Scientific-Research) Journal*, year 17, 30, p. 1. (In Persian).

Safi, D., Tayibi, K., & Elahi, N. (2021). Uncertainty of the interest rate of facilities and financing of selected small and medium enterprises admitted to the stock exchange, *Asset Management and Fnancing Magazine*, ninth year, serial number 33, number two, page 1-20. (In Persian).

Shabanzadeh, M., Shahnoshi Foroshani, N., Daneshvar Kakhki, M., Ghorbani, M., & Mojaverian, M. (2013). Study of effectiveness of credits of early return enterprises project in beekeeping industry. *Journal of Agricultural Science*, 22 (4), 29- 44. (In Persian). (In Persian).

Shahtahmasbi, I., Javadian, M., & Nikbakht, M. (2011). Investigating the role of granting facilities to small and medium enterprises in creating employment (case study: industrial workshops in Tehran), *Economic Sciences Quarterly*, special number 1. (In Persian).

Tayibi, S., Sati, M., & Samimi, P. (2010). The effect of banking facilities on employment generation in Iran's economic sectors, *Money and Economics*, 2 (4), 1-33. (In Persian).

UNIDO (2008). Small and medium sized enterprises. *Technical Report*, Available at <http://www.unido.org>.

Vice President of Economic Research (2014). An analysis on the concept of the importance of financing small and medium enterprises, *Islamic Council Research Center*.

Wonglimpiyarat, J. (2015). Challenges of SMEs innovation and entrepreneurial financing. *World Journal of Entrepreneurship, Management and Sustainable Development*, 11(4), 295-311.